

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	صفحات	۱-۱۱
------------	------	--------------	-------	------

بررسی درون دینی دلایل علم غیب امام علیه السلام با تاکید بر روایات

آقای دکتر جواد نعمتی و آقای دکتر مهدی یزدانی

دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، مرکز توسعه پژوهش های بین رشته ای معارف اسلامی و علوم سلامت.

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

چکیده

علم غیب امامان علیهم السلام در الهیات شیعه همواره توجه متکلمان و مفسران است. امامت تداوم مسئولیت های پیامبر (ص) (به جز دریافت وحی تشریعی) است. بنابراین امام باید به علوم پیامبر (ص) — از جمله آگاهی های غیبی — دسترسی داشته باشد تا بتواند جامعه را در غیاب پیامبر (ص) هدایت کند. پس امام به عنوان راهنما باید تمام راه هایی که به هدایت منتهی می شود، آگاهی داشته باشد و یکی از راه های آن داشتن علم غیب است. امام به عنوان مرجع دینی، باید بتواند بر اساس علم به واقعیت های پنهان (مثل نیت افراد، وقایع آینده، مصالح جامعه) تصمیم گیری کند. این نیازمندی عقلی، مستلزم برخورداری از دانشی فراتر از دانش عادی است. این پژوهش با روش تحقیق کتابخانه ای به صورت تحلیلی - توصیفی و با بهره گیری از منابع روایی می باشد. نتایج نشان می دهد، در این باب روایات بسیار فراوانی در جوامع روایی شیعه و احیاناً اهل سنت بیان شده است در روایات وارده از معصومین در دو گروه ؛ الف. روایات نافیه علم غیب پیامبر و امام (ع)، ب. روایات اثبات کننده علم غیب پیامبر و امام (ع) جمع بندی می شود. روایات اثبات کننده علم غیب امام آن قدر زیاد هستند که قابل احصاء نیست و علاوه بر آن روایات نفی کننده علم غیب امام علیه السلام هم قابل تاویل و تفسیر هستند و هم قدرت مقابله در برابر روایات اثبات کننده علم غیب بر پیامبر (ص) و امامان را ندارند.

واژگان کلیدی: علم غیب، امام، روایات، قرآن کریم، ولایت الهی، معرفت امام، هدایت، رهبری

طبقه بندی: JEL: فقه — حقوق — جزا و جرم شناسی — حقوق بین الملل — حقوق خصوصی

An internal religious examination of the reasons for the Imam's (a.s.) knowledge of the unseen, with emphasis on the narrations.

Abstract

The knowledge of the unseen of the Imams (peace be upon them) in theology has always been the focus of theologians and commentators. Imamate is the continuation of the responsibilities of the Prophet (peace be upon him) (except for receiving legislative revelation). The Imam, as a religious authority, must be able to make decisions based on knowledge of hidden realities (such as the intentions of individuals, future events, and the interests of society). This intellectual requirement requires having knowledge beyond ordinary knowledge. This research is conducted using a library method in an analytical-descriptive manner and using narrative sources. In this regard, there are many narrations in the Shiite and sometimes Sunni narrative communities. The narrations from the infallibles are summarized in two groups: a. Narrations that deny the knowledge of the unseen of the Prophet and the Imam (peace be upon them), b. Narrations that prove the knowledge of the unseen of the Prophet and the Imam (peace be upon them). The narrations proving the Imam's knowledge of the unseen are so numerous that they cannot be counted. In addition, the narrations denying the Imam's knowledge of the unseen are both open to interpretation and do not have the power to counter the narrations proving the knowledge of the unseen of the Prophet (PBUH) and the Imams

Keywords: Knowledge of the Unseen, Imam, Narrations, Holy Quran, Divine Guardianship, Recognition of the Imam, Guidance, Leadership

متن مقاله

بعد از اثبات علم غیب برای امام (ع) [۱]، خاستگاه و سرمنشأ علم غیب امام [۲] و قلمرو و گستره علم غیب در امام علیه السلام [۳] و نیز بررسی دلایل اثبات علم غیب برای پیامبر (ص) و امامان علیهم السلام در قرآن [۴] در این مقاله دلایل علم غیب امام علیهم السلام را از منظر روایات که سخنان خود ائمه اطهار علیهم السلام است به صورت توصیفی و کتابخانه ای بررسی می شود.

علم امام در روایات

در مقام تحقیق پیرامون حقیقت و گستره علم غیب امام (ع) بعد از آیات قرآن کریم (که در مقاله بررسی درون دینی دلایل علم غیب امام علیه السلام با تاکید بر قرآن به چاپ رسیده است) [۵] یکی از بهترین و مهمترین منابع، سخنان حکیمانه خود معصومین (علیهم السلام) می باشد. در این باب روایات بسیار فراوانی در جوامع روایی شیعه و احياناً اهل سنت بیان شده است در روایات وارده از معصومین هم مثل آیات قرآن کریم راجع به حقیقت و گستره علم غیب دو نوع روایات آمده است.

۱. روایات نافیه علم غیب پیامبر و امام (ع)

۲. روایات اثبات کننده علم غیب پیامبر و امام (ع)

بعد از ذکر مواردی از هر دو نوع روایات می توان به جمع بندی رسید؛ شبیه جمع بندی آیات علم غیب، در نتیجه بحث آیات فهمیدیم که کسی جز خداوند غیب را بالذات و از پیش خود مستقلاً نمی داند ولی خداوند آن را به پیامبران و برگزیدگان از بندگان خود می دهد.

در روایت هم همین نتیجه را می توان گرفت. [۶]

راجع به حجیت قول امام معصوم (ع) نیز بحث های زیادی انجام گرفته است، در مجموع این برداشت از ادله عقلی و نقلی گرفته شده که جعل حجیت قول ائمه معصومین (ع) از طرف خدا و پیامبر (ص) است.

بحث از حجیت از آن جایی لازم می شود که باید قول امام معصوم منتهی به آیات قرآن کریم شود و یا قول و کلام پیامبر (ص) حجیت کلام آنها را تایید نکند و هر دو (قرآن و سنت پیامبر) راجع به امامان معصوم (ع) جعل

حجیت کرده اند در آیاتی مثل آیات اولوالامر، اطاعت، تطهیر و .. و روایاتی مثل غدیر، سفینه، منزلت، انذار و ثقلین.

حجیت قول امام (ع):

در بحث علم غیب امام (ع) دو نوع روایات می توان یافت.

الف: روایات صادره از پیامبر (ص) در حق علی (ع) و سایر ائمه.

ب: روایات صادره از امامان معصوم (ع) در حق خودشان.

الف) روایات پیامبر در حق علی (ع) و سایر ائمه

اگر بپذیریم محمد (ص) یک شخصیت حقوقی دارد که باید آن حضرت را حجت الهی قلمداد بکنیم و کلام و نظر ایشان را بدون مطالبه دلیل بپذیریم باید لازمه ادعای مذکور را هم پذیرفت که: روایات پیامبر اسلام (ص) در حق امام علی (ع) و منزلت و مقام آن حضرت و دیگر امامان حجت است.

وقتی به روایات پیامبر (ص) در حق علی (ع) نیم نگاهی می اندازیم، پی می بریم که حضرت علی (ع) توسط پیامبر و خداوند دارای یک شخصیت حقوقی در اسلام می باشد که لازمه آن جعل حجیت و مقام ولایت برای حضرت علی (ع) می باشد. چنانکه از روایاتی مثل حدیث منزلت می توان استفاده کرد. پیامبر اسلام با حدیث منزلت و دیگر روایات و همچنین آیات متعدد مقام امامت به معنای مرجعیت علمی و دینی و جانشین پیامبر در شئون دینی را به حضرت علی (ع) تفویض کرده است که لازمه آن حجیت اقوال و افعال حضرت برای مسلمانان و اعتبار روایات و تفاسیر امام (ع) در معرفت دینی است.

روایات متعددی در این باب از فریقین گزارش شده است که ما در اینجا به چند مورد اشاره می کنیم.

۱. علی (ع) حجت خدا: پیامبر اسلام بارها به مقام و منزلت امام علی (ع) بعنوان برگزیده و حجت الهی تصریح داشته است. چنان که خطاب به یکی از اصحاب خویش با اشاره به آن حضرت فرمود: یا انس انا و هذا [علی (ع)] حجه الله علی خلقه. [۷]

پیامبر (ص) حجت الهی بودن هر دوی ایشان را به یک سیاق تفسیر می کند. پیامبر اسلام همچنین فرمودند: «ان الله جعل علیا و زوجته و ابنائه حجج

الله علی خلقه...» [۸]

۲. علی (ع) واجب الطاعة:

آیه اطاعت [۹] مومنان را به اطاعت از خداوند و پیامبر و اولی الامر می‌کند. پیامبر (ص) در روایات متعدد اولی الامر را که اطاعت از آن اطاعت از رسول است بر حضرت علی (ع) تفسیر می‌کند. و نیز در روایات دیگر به تصدیق و اطاعت از علی (ع) امر می‌کند. «ان امامکم علی بن ابیطالب فنا صحوه و صدقوه. ان هذا اخی و وصیی و خلیفتی فاسمعوا له و اطیعوا له». [۱۰]

۳. علی (ع) ولی خداوند:

آیه ولایت [۱۱] ولی مومنان را خدا، پیامبر و کسانی که نماز و زکات در حال رکوع اقامه و ایتاء می‌کنند معرفی می‌کند. و پیامبر (ص) در روایات متعدد آن را بر حضرت علی (ع) تطبیق می‌کند.

۴. علی (ع) ملازم حق و قرآن: در روایات نبوی بین حق و قرآن از یک سو و امام علی (ع) از سوی دیگر یک نوع رابطه و ملازمه غیرقابل انفکاک بیان شده است. مثل روایات ذیل:

«علی مع الحق و الحق مع علی و لن یفترقا حتی یردا علی الحوض یوم القیامه. علی مع الحق و القرآن و الحق و القرآن مع علی و لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» [۱۲]

۵. علی (ع) مدار هدایت و نجات: از حضرت علی (ع) و سایر اهلبیت در روایات نبوی به «کشتی نوح» و «پرچم هدایت» تعبیر شده است.

«ان علیا رایه الهدی و منار الایمان و امام اولیائی.»

«ان مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفینه نوح من رکبها نجاومن تخلف عنها غرق.» [۱۳]

۶. علی (ع) مرجع حل اختلافات: پیامبر (ص) امام علی (ع) را مرجع حل و فصل اختلافات امت خویش معرفی می‌کند. «انت تبین لامتی ما اختلفوا فیه من بعدی.»

در روایات دیگر پیامبر (ص) به تبیین مرجعیت علمی و دینی حضرت علی (ع) می‌پردازد و جایگاه حضرت را در این مقوله با جایگاه خویش تطبیق می‌دهد. «علی باب علمی و مبین لامتی ما ارسلت به من

عبدی.» [۱۴]

استدلال بر روایات:

از اینکه پیامبر (ص) امام علی (ع) را ولی خدا، واجب الطاعة، ملازم حق و قرآن، پرچم هدایت، کشتی نوح، مرجع و مفسر دین، متصل به عالم غیب و حجت خدا بصورت متعدد توصیف می‌کند ظاهر بلکه نص در جعل حجیت است و گر نه این همه روایات و سفارشها لغو خواهد بود. حاصل آن که:

با توجه به روایات فوق که شاید یکصدم همه روایات درباره امامان و حضرت علی (ع) نباشد باید گفت که انکار حجیت کلام امام (ع) به انکار حجیت شخصیت پیامبر (ص) منجر می‌شود، چرا که برحسب روایات متعدد و متواتر جاعل حجیت امام (ع) خود پیامبر و خداوند است و کسی که کلام و قول پیامبر (ص) را ذاتی می‌نامد باید به لوازم آن یعنی پذیرفتن احادیث حضرت نیز ملتزم باشد.

علامه طباطبائی (ره) با اشاره و تمسک به روایات متعدد پیامبر مانند احادیث غدیر، سفینه، ثقلین، حق، منزلت و انذار می‌نویسد.

«با تواتر قطعی از آن حضرت رسیده است که بیان اهل بیت وی مانند بیان خودش می‌باشد و به موجب احادیث نبوی قطعی دیگر بیان اهلبیت تالی بیان پیغمبر (ص) می‌باشد و اهلبیت در اسلام سمت مرجعیت علمی داشته، در بیان معارف و احکام اسلامی هرگز خطا نمی‌کنند و بیانشان به طریق مشافهه یا نقل قابل اعتماد و حجت است.» [۱۵]

پس حجیت کلام امام (ع) از طرف خدا و پیامبر (ص) است لذا روایات امامان معصوم (ع) راجع به علم غیب خودشان حجت و مثل سخنان پیامبر (ص) کاشف از حقیقت خواهند بود.

ب) روایات صادره از امامان معصوم (ع) در شأن خودشان و علم غیب شان در این موضوع دو نوع روایات از ائمه (ع) نقل گردیده است.

الف: روایات نفی کننده علم غیب یا روایات نافیه [۱۶]

ب: روایات ثابت کننده علم غیب یا روایات مثبتیه. [۱۷]

۱- روایات نفی کننده علم غیب یا روایات نافیه

در این جهت روایات کمی وارد شده که توان مقابله با روایات مثبتیه را

۶. امید امیرالمومنین(ع) به پیروزی بر معاویه و تحقق خلاف آن[۲۶]
۷. اعتماد علی(ع) به فرماندار خائن و حسن ظن علی(ع) بر منذر و
عملکرد خلاف او[۲۷]

۸. نفی علم غیب در نهج البلاغه[۲۸]

۹. حدیث انهم لا يعلمون الغیب [۲۹]

جمع بندی روایات نافیه علم غیب

در این روایات در ظاهر علم غیب نفی شده است [یا بصورت مطلق مثل
روایت اول یا بصورت جزئی]
اما این نفی دارای چند دلیل است.

۱. نفی علم غیب استقلالی و نامحدود[۳۰]

۲. بدلیل جلوگیری از فشار دستگاه حاکم بنی امیه و بنی عباس توسط
تقیه.[۳۱]

۳. بدلیل جلوگیری از سوء استفاده غلات و دوستان نادان[۳۲]
توجه: بزرگانی که در سطره علم امام حدقلی شده‌اند روایاتی را دیده‌اند
که با هم به ظاهر تضاد دارند [مثل این روایات با روایات مثبت علم غیب]
علامه مجلسی تحقیقی دارند که «نفی علم غیب ائمه نفی استقلالی است؛
نه علم غیبی که از راه الهام و وحی و ... بدست آمده باشد.»[۳۳]
پس ائمه(ع) علم به غیب دارند و علت اینکه در برخی روایات نفی می
کنند یا بخاطر تقیه است یا خوف از انحراف عقیدتی بعضی از افراد غلات
یا منظورشان نفی علم غیب استقلالی از خودشان است.

۲- روایات اثبات کننده علم غیب امام(ع)

قبلاً بیان شده که: در این باب روایات بسیار فراوانی در جوامع روایی شیعه
و احیاناً اهل سنت بیان شده است که بخش اعظمی از کتب معتبر روایی
را در بر گرفته است.[۳۴]

بخاطر اینکه روایات مثبت علم غیب فوق احصاء هستند در این جا، فقط
عنوانها و سرفصلهای ابواب را بیان می‌کنیم تا گستره این موضوعات و
تظافر این روایات که درصدد اثبات علم غیب امام هستند روشن شود.
در برخی از این روایات منابع علم ائمه و در برخی گستره علم ائمه(ع) نیز
بحث شده است.

ندارند. از جمله روایات نافیه، روایت مشهور سدید از امام صادق(ع) می‌باشد
که امام صادق(ع) بدنبال کنیزش در خانه می‌گشت و او را نمی‌یافت و
می‌فرمودند:

«یا عجباً لا قوام یزعمون انا نعلم الغیب ما یعلم الغیب الا الله لقد هممت
بضرب جاریتی فلانه فهربت منی فما علمت فی ای (بیت) من بیوت الدار
هی»[۱۸]

شگفتا از مردمی که می‌پندارند ما از غیب آگاهیم کسی جز خدا غیب
نمی‌داند من می‌خواستم فلان کنیزم را بزنم ولی از من گریخت و ندانستم
در کدام اطلاق پنهان شده است.

نکاتی راجع به این روایت و روایتهایی شبیه این:

ممکن است این کار امام بخاطر تقیه یا ترس از غلو شیعیان ضعیف العقل
باشد چون در متن بعضی روایات موید این مطلب آمده است از جمله:

۱. بالا بردن پرده برای اطلاع از وجود کسی در خانه

۲. عدم اطلاع امام صادق(ع) از جاسوس در حجر اسماعیل[۱۹]

مرحوم مظفر می‌فرماید:

درباره جریان کنیز و ... باید گفت: ائمه(ع) مردم را از خود آنها بهتر
می‌شناختند و بر کوتاه اندیشی و کم ظرفیتی آنها واقف بودند پس اگر آنها
دائماً علم خود را اظهار می‌کردند کوتاه‌اندیشان به ربوبیت آنها یا چیزی
دیگر که به شرک می‌انجامید معتقد می‌شدند.

از طرفی طاغوت‌های زمان نسبت به ایشان حساس بودند پس اگر همه آن
کمالات را از خود نشان می‌دادند بیش از پیش بر آنان رشک می‌بردند و
برعلیه ائمه و یاران آنها می‌شوریدند.[۲۰]

در برخی روایات علم غیب مثل روایت اول نفی شده است از جمله روایات
ذیل:

۱. روایت عمار ساباطی از امام صادق(ع)[۲۱]

۲. روایت محمد بن الفرّج از امام جواد(ع)[۲۲]

۳. توقیع امام عصر(عج) به محمد بن علی بن هلال کوفی.[۲۳]

۴. روایت مغیره و یحیی بن عبدالله از امام کاظم(ع)[۲۴]

۵. قضیه منصور دوانیقی و امام صادق(ع)[۲۵]

۱. روایات اسم اعظم «ائمه، اسم اعظم را بلد هستند» [۳۵]
۲. روایات علم به کتب آسمانی «آنها به کتب آسمانی عالمند» [۳۶]
۳. روایات علم به مرگها و مصیبتها «آنها علم البلايا و المنايا را عالمند» [۳۷]
۴. روایات علم امام به همه چیز «آنها علم به همه چیز دارند» [۳۸]
۵. روایات علم ما کان و ما یکون «آنها علم به ما کان و ما یکون» [۳۹]
۶. روایات علم نامحدود «آنها علم نامحدود دارند» [۴۰]
۷. روایات علم به حوادث عالم و آنچه در شب و روز رخ می‌دهد. [۴۱]
۸. روایات علم به شهادت خودشان [۴۲]
۹. روایات تعلیم زبان پرندگان و حیوانات [۴۳]
۱۰. روایات دانستن تمام زبانها [۴۴]
۱۱. روایات تأویل قرآن [۴۵]
۱۲. روایات عرضه اعمال بر پیامبر و امام [۴۶]
۱۳. روایات تعلیم اسماء [۴۷]
۱۴. ائمه (ع) وارثان علم آدمی و علوم جمیع انبیا هستند. [۴۸]
۱۵. امامان نگهبانان و خزینه داران علم خدا در آسمان و زمین هستند. [۴۹]
۱۶. خداوند به آنان ملکوت آسمان و زمین را نشان می‌دهد چنانکه حضرت ابراهیم ملکوت و مافوق عرش و پایین آن را مشاهده کرد. [۵۰]
۱۷. آنها به تمام لغات و زبانهای مردم دنیا آگاهی داشته و می‌توانند تکلم کنند. [۵۱]
۱۸. آنها معدن علم خداوند و جایگاه رسالت و درخت نبوت و محل رفت و آمد فرشتگان هستند. [۵۲]
۱۹. این بزرگواران زمان مرگ و رویدادهای ناخوشایند (علم منایا و بلایا) را می‌دانند و به اصل و نسب آدمیان و چگونگی دآوری بین آنها آگاهی دارند. [۵۳]
۲۰. ائمه اطهار به حوادثی که در گذشته اتفاق افتاده و پیش آمدها و اتفاقاتی که در آینده تا روز قیامت بوقوع می‌پیوندد آگاهی دارند (علم ماکان و ما یکون الی یوم القیامه) حتی به آنچه در آسمان و زمین و به آنچه در بهشت و جهنم است علم دارند. [۵۴]
۲۱. آنان هرگاه بخواهند به چیزی آگاهی یابند خداوند به آنها یاد می‌دهد. اذا شا و ان یعلموا علموا. [۵۵]
۲۲. به ایشان علم الکتاب و تفسیر و تأویل قرآن عطا شده است. [۵۶]
۲۳. ائمه (ع) مصداق کامل راسخون در علم هستند. [۵۷]
۲۴. عمودی از نور وسیله شناخت امام بر اشیا است. [۵۸]
۲۵. افزایش علمی آنها از ناحیه خدا و موهبت الهی است. [۵۹]
۲۶. علم آنان از خزانه غیبی خداوند است. [۶۰]
۲۷. ائمه راسخان در علم هستند. [۶۱]
۲۸. علم ائمه علم انبیا است و از طریق وراثت به آنان می‌رسد. [۶۲]
۲۹. حدیث آنها حدیث پیامبر است. [۶۳]
۳۰. آنها داناترین مردم هستند [۶۴]
۳۱. آنها معدن علم هستند [۶۵]
۳۲. علم آنها احیا کننده دانش است. [۶۶]
۳۳. باب مصادر علوم الاثمه و الاثمه و علم الغیب [۶۷]
۳۴. عمود النور عند الاثمه [۶۸]
۳۵. لا یحجب عن الاثمه علم السماء و الارض [۶۹]
۳۶. آل محمد محدث و مفهم هستند. [۷۰]
۳۷. آل محمد (ص) یعرفون حقایق الاشیا و الناس [۷۱]
۳۸. معارج الاثمه و از دیاد العلم فیهم [۷۲]
۳۹. الاثمه و لاه امر الله و خزنة علمه [۷۳]
۴۰. الاثمه و صحیفه اسماء الشیعه [۷۴]
۴۱. علم الاثمه عن رسول الله (ص) و الاثمه ورثه الانبیاء فی العلوم [۷۵]
۴۲. الاثمه ورثه الانبیاء و الکتب السماویه [۷۶]
۴۳. آل محمد (ص) اعلم من الانبیاء (ع) [۷۷]
۴۴. سلاح رسول خدا و آثار پیامبران نزد ائمه (ع) است. [۷۸]
۴۵. آل محمد (ع) یعرفون الاسم الاعظم و به یظهر منهم العجائب [۷۹]
۴۶. ائمه (ع) می‌دانند کی می‌میرند و امام می‌داند که کی امام است. [۸۰]
۴۷. امام (ع) اسامی اهل بهشت و جهنم را می‌داند. [۸۱]

۴۸. و [۸۲]

توجه: روایات نافی علم غیب بر فرض صحت و عدم توجیه یارای مقابله با این روایات را ندارند چرا که بیش از ۵۰ باب از ابواب روایات مستقیم یا غیرمستقیم اثبات کننده علم غیب امام (ع) است.

و روایات نافی علم غیب تنها ابوابی قلیل که بیشتر از عدد انگشتان دست نیست می‌باشند از طرفی روایات نافی توجیه پذیر هستند فلذا می‌توان گفت آنها هم مثبت علم غیب هستند.

جمع بندی بین روایات نافی و مثبت علم غیب

راجع به روایات نافی و علت نفی علم غیب علمای بزرگوار مطالبی فرموده‌اند که چند مورد را یاد آور می‌شویم.

علامه مجلسی: نفی علم غیب از طرف ائمه نفی استقلالی است نه علم غیبی که از راه الهام و وحی بدست آمده باشد و الا عمده معجزات پیامبران و اوصیاء (ع) از این قبیل (مغیبات و اخبار غیبی) است. [۸۳]

ملا صالح مازندرانی، در شرح روایت جاریه می‌نویسد: غرض امام صادق (ع) از این کار این بود که جهال او را معبود قرار ندهند. یا بخاطر حفظ جان‌ش از بعض حاضرین در مجلس که منکر فضلش بودند دفع وهم بکنند و این کار امام بر سیل تقیه از بعض حاضرین بود. [۸۴]

علامه مقرر: انکار صادق (ع) حجت بر منکرین نیست چرا که در این روایت (روایت جاریه) چند احتمال است.

۱. رواه حدیث جهالت داشتند همان گونه که مراه العقول آورده شده.
۲. کسانی در مجلس بودند که قابلیت تحمل علوم غامض آن حضرت را نداشتند، مثل یحیی بزاز و داوود رقی.

۳. هدف امام صادق (ع) از نفی علم غیب خودشان تثبیت عقیده آنها و عدم تزلزل آنها بود. [۸۵]

علامه مظفر: امام صادق (ع) و ائمه (علیهم السلام) علم غیب استقلالی را نفی کرده‌اند که نامحدود است. [۸۶]

شیخ عبدالحسین لاری

روایات نافی. (بر فرض صحت) خیلی کم هستند و موافق با عامه هستند و ادله اربعه معاضد و مخالف با اینگونه روایات است. [۸۷]

حاصل بحث:

۱. همانطوری که در مقاله بررسی علم امام علیه السلام با تاکید برقرآن بحث شد [۸۸] و به جمع بندی اثباتی رسیدیم. در بحث روایات هم روایات نافی نمی‌توانند در مقابل روایات مثبت ایستادگی بکنند، فلذا می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. روایات نافی بخاطر عللی (ثانوی) صادر شده است و در پشت همان علتها اثبات علم غیب برای امام نهفته است.

۲. ائمه علم غیب استقلالی که مختص بخداست و بدون تعلیم است را نفی کرده‌اند.

۳. ائمه بخاطر خوف از غلو دوستان کم ظرفیت و یا بخاطر خوف از دشمنان کینه‌ورز علم غیب را نفی کرده‌اند تا تالی فاسدی پیش نیاید.

۴. در بخش روایات دو نوع روایات آمده است

الف. روایات صادره از پیامبر اسلام (ص) راجع به امام علی (ع) و سایر ائمه معصومین (ع) که مثبت مقام نورانی و گستره علم غیب آنهاست.

ب. روایات صادره از خود ائمه (ع) که کاشف از علم غیب خودشان می‌باشد.

[۱]. مهدی یزدانی، جواد نعمتی، امکان شناسی، وقوع و چیستی علم

غیب از منظر اسلام، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی

ص ۲۹۴

[۲]. مهدی یزدانی، جواد نعمتی، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال هشتم، شماره ۸۶ ص ۳۸۵.

[۳]. مهدی یزدانی، جواد نعمتی، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال هشتم، شماره ۸۵ ص ۵۰۱ تا ۴۷۳.

[۴]. جواد نعمتی، مهدی یزدانی، فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین، شماره ۳۱ ص ۱-۲۴ سال انتشار ۱۴۰۵.

[۵]. جواد نعمتی، مهدی یزدانی، فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین،

- شماره ۳۱ ص ۱-۲۴ سال انتشار ۱۴۰۵.
- [۶] - در مورد روایات نافعی علم غیب چند احتمال آورده شده رک : ج ۲۶ بحار ص ۱۰۳ از «ابواب علومهم» در ج ۶ سفینه البحار حرف «غین» بعده یاء. کتاب علم الامام.
- [۷] - تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۳۰۴ به نقل از کتاب امامت استاد محمد حسن قدردان.
- [۸] - شواهد التنزیل ج ۱ ص ۷۶.
- [۹] - سوره نساء / آیه ۵۹.
- [۱۰] - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۹۸ و ج ۱۳ ص ۲۴۴ و ج ۲ ص ۱۴۵ - تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۴۸.
- [۱۱] - سوره مائده / آیه ۵۵.
- [۱۲] - تاریخ مدینه دمشق ج ۳ ص ۱۱۸ - موسوعه الامام علی (ع) ج ۲ ص ۱۹۷ و ۲۳۵.
- [۱۳] - موسوعه الامام علی ج ۲ ص ۱۸۶ و ص ۵۶ - بحار الانوار ج ۲۳ ص ۱۰۵ - المعجم الوسیط ج ۵ ص ۳۵۵ طبرانی.
- [۱۴] - تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۳۸۷ - شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۸۲ - موسوعه الامام علی ج ۲ ص ۲۴۵.
- [۱۵] - شیعه در اسلام، صص ۷۸ و ۱۷۷ - علامه طباطبائی (ره).
- [۱۶] - بحار الانوار ج ۲۶ ص ۶ - اصول کافی ج ۱ ص ۲۵۷ «نادر فیه ذکر الغیب»
- [۱۷] - بحار الانوار ج ۲۶ ص ۱۰۰ ابواب علومهم.
- [۱۸] - کافی - ج ۱ ص ۲۵۷ حدیث سوم باب «نادر فیه ذکر الغیب»
- [۱۹] - بحار الانوار - ج ۲۶ ص ۶ - کافی ج ۱ ص ۲۶۰ - حدیث اول.
- [۲۰] - علم الامام - علامه مظفر ص ۹۵.
- [۲۱] - کافی ج ۱ صفحه ۲۵۷.
- [۲۲] - کافی ج ۲ صفحه ۵۴۹.
- [۲۳] - بحار الانوار ج ۲۵ صفحه ۲۲۶ حدیث ۹.
- [۲۴] - امالی مفید صفحه ۲۳ مجلس سوم حدیث ۵.
- [۲۵] - وسائل الشیعه ج ۱۵ صفحه ۲۲۴ سطر ۸.
- [۲۶] - معادن الحکمه ج ۱ صفحه ۳۴.
- [۲۷] - نهج البلاغه نامه ۴۱.
- [۲۸] - نهج البلاغه خطبه ۱۲۸
- [۲۹] - بحار الانوار ج ۲۶ ص ۱۰۳.
- [۳۰] - علم امام - علامه جعفر - ص ۹۴ مثل خطبه ۱۲۸ نهج البلاغه.
- [۳۱] - کافی ج ۱ ص ۲۶۰ حدیث ۱
- [۳۲] - بحار الانوار - ج ۲۶ ص ۶.
- [۳۳] - بحار الانوار ج ۲۶ ص ۱۰۳ باب ۴ از ابواب علومهم و انهم لا یعلمون الغیب.
- [۳۴] - ج ۲۵-۲۴-۲۳ بحار الانوار به علاوه ج ۲۷ و ۲۶ یعنی حدود ۵ مج البته بخش مهم روایات در ج ۲۶ و ۲۵ آمده است.
- * ج اول کافی و قسمتی از ج دوم در ج اول کافی بیش از ۲۰۰ صفحه راجع به این موضوع بحث شده است:
- * در سایر کتب اربعه بخشی معظم از روایات به این بخش اختصاص دارند.
- * بصائر الدرجات مخصوصاً اجزاء ۴ تا ۹. و ...
- [۳۵] - اصول کافی ج ۱ ص ۲۳۰.
- [۳۶] - همان، ج ۱ ص ۲۲۴.
- [۳۷] - همان، ج ۱ ص ۴۸۴ حدیث ۷
- [۳۸] - همان، ج ۱ ص ۶۱ حدیث ۸
- [۳۹] - همان، ج ۱ ص ۲۶۱
- [۴۰] - همان، ج ۱ ص ۲۲۷
- [۴۱] - همان، ج ۱ ص ۲۲۹ حدیث ۳.
- [۴۲] - بصائر ص ۴۶۱ حدیث ۳ و بحار الانوار ج ۲۷ ص ۲۸۵ حدیث ۱۰
- [۴۳] - ابن شهر آشوب مناقب ج ۲ ص ۵۴.
- [۴۴] - کافی ج ۱ ص ۴۶۲ و ص ۵۰۹ حدیث ۱۱
- [۴۵] - همان، ج ۱ ص ۶۴
- [۴۶] - بصائر الدرجات ص ۴۲۵ ح ۶-۱۱-۱۲ و ص ۴۲۴ تا ص ۴۲۹
- [۴۷] - بصائر الدرجات ص ۴۱۸ و ص ۸۳.
- [۴۸] - همان، جزء دوم ص ۱۱۴

- [۴۹] - بحارالانوار ج ۲۶ ص ۱۰۵، بصائر الدرجات جزء ۲ ص ۱۰۴.
- [۵۰] - همان، ج ۲۶ ص ۱۰۹.
- [۵۱] - بصائر ص ۳۴۰-۳۳۳، بحارالانوار ج ۲۶ ص ۱۹۰.
- [۵۲] - بحارالانوار ج ۲۶ ص ۲۴۵-بصائر الدرجات جزء ۲ ص ۵۶-اصول کافی ج ۱ ص ۲۲۱.
- [۵۳] - کافی ج ۱ ص ۱۹۶ - بحارالانوار ج ۲۶ ص ۱۴۷. در این باب بیش از ۲۰ روایت آورده است بصائر الدرجات جزء ۳ ص ۱۱۸.
- [۵۴] - بحارالانوار ج ۲۶ ص ۱۰۹- بصائر الدرجات ص ۱۲۷ و ۱۲۹-کافی ج ۱ ص ۱۶۰.
- [۵۵] - اصول کافی ج ۱ ص ۲۵۸ - بصائر الدرجات ص ۳۱۵- بحارالانوار ج ۲۶ ص ۵۶.
- [۵۶] - مستدرک وسائل ج ۱۷ ص ۳۳۱- بصائر ص ۱۹۴ و ص ۲۱۷-۲۱۲-کافی ج ۱ ص ۲۲۸ و سائل الشیعه ج ۲۷ ص ۱۸۱.
- [۵۷] - اصول کافی ج ۱ ص ۲۱۳- بصائر الدرجات ص ۲۰۲- وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۱۷۸- بحارالانوار ج ۲۳ ص ۱۸۸.
- [۵۸] - کافی ج ۱ ص ۲۵۸- بصائر ص ۴۳۱.
- [۵۹] - همان، ص ۲۵۴ و ص ۲۵۵ باب «لولا یزدادون و لنفد» کافی ج ۱ ص ۱۹۲.
- [۶۰] - همان، ج ۱ ص ۱۹۲.
- [۶۱] - همان، ج ۱ ص ۴۱۴- بحارالانوار ج ۲۳ ص ۱۸۴ حدیث ۴۹.
- [۶۲] - همان، ج ۱ ص ۲۲۴ و ۲۲۵ باب «ورثوا علم النبی»
- [۶۳] - همان، ج ۱ ص ۵۳ حدیث ۱۴
- [۶۴] - همان، ج ۱ ص ۲۰۹ و ص ۲۸۱.
- [۶۵] - نهج البلاغه خطبه ۱۰۹
- [۶۶] - همان، خطبه ۱۰۹
- [۶۷] - بحارالانوار ج ۲۶ ص ۱۸ و ۹۸.
- [۶۸] - همان، ج ۲۶ ص ۱۳۲.
- [۶۹] - همان، ج ۲۶ ص ۱۰۹
- [۷۰] - همان، ج ۲۶ ص ۶۶.
- [۷۱] - همان، ج ۲۶ ص ۱۱۷
- [۷۲] - همان، ج ۲۶ ص ۸۶
- [۷۳] - همان، ج ۲۶ ص ۱۵
- [۷۴] - همان، ج ۲۶ ص ۱۱۷
- [۷۵] - همان، ج ۲۶ ص ۱۵۹
- [۷۶] - همان، ج ۲۶ ص ۱۸۰
- [۷۷] - همان، ج ۲۶ ص ۱۹۴ - کافی ج ۱ ص ۲۲۳ و ص ۲۶۱
- [۷۸] - همان، ج ۲۶ ص ۲۰۱
- [۷۹] - همان، ج ۲۷ ص ۲۵
- [۸۰] - همان، ج ۲۷ ص ۲۸۵ و ۲۹۱.
- [۸۱] - کافی ج ۱ ص ۴۴۴.
- [۸۲] - در کتاب بصائر الدرجات مجموعاً ۱۸۸۱ روایت آمده که در ۱۰ جزء هستند و جزئیهای ۷ الی ۳ راجع به علم غیب و مصادر و گستره علم غیب و منابع علم امام(ع) است.. علاوه بر بحارالانوار و بصائرالدرجات اصول کافی از مهمترین بلکه مهمترین منبع در این بحث می باشد.
- [۸۳] - بحارالانوار ج ۲۶ ص ۱۰۳- سفینه البحار آخر حرف «غین بعده یاء» غیب
- [۸۴] - شرح اصول کافی ج ۶ صفحه ۳۴.
- [۸۵] - جواهرالکلام شیخ محمد حسن نجفی ج ۱ صفحه ۱۸۶ الی ۱۸۱ تعلیقه مرحوم قوچانی .
- [۸۶] - علم الامام صفحه ۹۴ توجه علی شیروانی.
- [۸۷] - معارف السلمانی بمراتب الخلفاء الرحمانی از ص ۲۵ ۶۸ بحث روایات است. ص ۵۶ بحث مرجحات سندی
- [۸۸] . جواد نعمتی و همکاران، فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین شماره ۳۱ ص ۲۱.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱۸. سبحانی، جعفر: ۱۳۵۱، منشور جاوید، تهران: انتشارات دارالقرآن الکریم.
۱۹. سبحانی، جعفر، علم غیب آگاهی سوم، انتشارات امام صادق (ع)، قم، چاپ نوبت دوم ۱۳۸۶.
۲۰. سروش، عبدالکریم: ۱۳۷۶، بسط تجربه نبوی، تهران: موسسه فرهنگ صراط.
- سهروردی، شهاب الدین یحیی: ۱۳۶۷، حکمه الاشراق، شرح دکتر سید جعفر سجادی، تهران: دانشگاه تهران.
- سهروردی، شهاب الدین یحیی: بی تا، حکمه الاشراق، تعلیقه ملا صدرا، قم: مدرسه حجتیه.
- سید رضی: ۱۳۷۵، معجم نهج البلاغه مترجم محمد دشتی: قم: موسسه امیرالمومنین
- سید مرتضی (علم الهدی): ۱۳۷۰ الذخیره فی علم الکلام، قم: جامعه مدرسین.
- سید مرتضی (علم الهدی): ۱۳۷۰ الرسائل (شریف مرتضی)، قم: جامعه مدرسین.
- صافی گلپایگانی لطف الله: ۱۳۵۴، شهید آگاه، قم: انتشارات کتابخانه صدر.
- صالحی نجف آبادی: ۱۳۵۱، شهید جاوید، تهران: مشعل آزادی.
- صدرا شیرازی، محمد: ۱۳۵۴، مبدأ و معاد، تهران: انجمن فلسفه ایران.
- صدرا شیرازی، محمد: ۱۳۷۹، اسفار اربعه، تهران: دارالمعارف الاسلامیه.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، ۱۳۷۷، عیون اخبار الرضا، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- صفار محمد بن حسن: ۱۳۸۴، بصائر الدرجات، تحقیق سید حسین المعلم، نجف: مکتبه الحیدریه.
- طباطبائی، سید محمد حسین: ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه اعلمی
- طباطبائی، سید محمد حسین: ۱۳۸۶، علم امام، قم: انتشارات دارالفکر.
- طباطبائی، سید محمد حسین: بدایه الحکمه و نهایه الحکمه، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی فضل بن حسن: ۱۴۲۰، تفسیر مجمع البیان، تحقیق سید هاشم رسول محلاتی بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طریحی فخر الدین: ۱۳۶۲، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضی.
- طوسی، نصیرالدین: ۱۴۱۶، کشف المراد، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- غزالی، ابوحامد: ۱۹۹۳، الاقتصاد فی الاعتقادات، بیروت: دارالهلل.
- فاضل، مقداد: ۱۴۲۲، اللوامع الالهیه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۱. جواد نعمتی، مهدی یزدانی، فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین، شماره ۳۱ ص ۱-۲۴ سال انتشار ۱۴۰۵.
۲. مهدی یزدانی، جواد نعمتی، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال هشتم، شماره ۸۵ ص ۵۰۱ تا ۴۷۳.
۳. مهدی یزدانی، جواد نعمتی، امکان شناسی، وقوع و چیستی علم غیب از منظر اسلام، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی سال هفتم شماره ۸۲ زمستان ۱۴۰۴.
۴. مهدی یزدانی، علم از دیدگاه متکلمان اسلامی، فصل نامه فقه و حقوق نوین، سال هفتم شماره ۲۶ سال.
۵. ابن منظور، ابوالفضل محمد: ۱۴۱۴، لسان العرب، تهران: دارالجیل
۶. بحرانی سید هاشم: ۲۹۹۲، م، مدینه المعاجز، تحقیق علاء الدین الاعلمی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۷. جواد آملی، عبدالته: ۱۳۸۸، تفسیر تسنیم، قم: انتشارات مرکز نشر اسراء
۸. جوهری اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۸، ق، الصحاح اللغة صحاح العربیه، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی
۹. کلینی، محمد بن یعقوب: ۱۳۵۶، الکافی، طهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. مجلسی، محمد باقر: ۱۴۹۳، ق، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. قریشی، سید علی اکبر: ۱۳۸۲، قاموس القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۱۲. فخر رازی: ۱۴۱۶، ق، تفسیر کبیر، بیروت: دارالفکر.
۱۳. طبرسی فضل بن حسن: ۱۴۲۹، ق، تفسیر مجمع البیان، تحقیق سید هاشم رسول محلاتی بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین: ۱۴۱۷، ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه اعلمی
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین: ۱۳۸۵، علم امام، قم: انتشارات دارالفکر.
۱۶. طوسی، نصیرالدین: ۱۴۱۵، ق، کشف المراد، قم: انتشارات جامعه مدرسین
۱۷. سبحانی جعفر: ۱۳۷۸، مفاهیم القرآن، قم: موسسه امام صادق (ع).

قم: انتشارات دانشگاه.

مجموعه مولفین: ۱۳۸۸، نقد و بررسی نظریه تطور تاریخی تشیع قم: مجمع عالی حکمت اسلامی ادیان و مذاهب.

مجموعه نویسندگان: ۱۳۸۵ دانشنامه امام علی (ع)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.

محدث قمی، شیخ عباس: ۱۳۷۷، سفینه البحار، مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی.

محمد بن منظور: ۱۴۲۰ لسان العرب، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.

مدرسی طباطبائی، سید حسین: ۱۳۸۶، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزد پناه تهران، انتشارات کویر.

مصباح یزدی محمد تقی: ۱۳۷۸، آموزش عقائد، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

مصباح یزدی محمد تقی: ۱۳۸۸ دروس فلسفه تهران: انتشارات چاپ و نشر بین الملل.

مطهری مرتضی: ۱۳۶۸ مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی: ۱۳۶۶، خاتمیت، تهران: صدرا.

مظفر محمد حسین: ۱۳۸۶ پژوهشی در باب علم امام، مترجم علی شیروانی قم: دارالفکر.

مظفر، محمد رضا: ۱۳۷۹، عقائد الامامیه، قم: دفتر تبلیغات.

مفید، محمد بن محمد نعمان: ۱۴۱۴ ق، مسائل العکبریه، قم: کنگره شیخ مفید.

مفید، محمد بن نعمان: ۱۴۱۴ ق، سلسله مولفات الشیخ المفید بیروت: دارالمفید.

مکارم شیرازی، ناصر: ۱۳۷۳، پیام قرآن، جمعی از نویسندگان، قم: مدرسه امیرالمومنین.

نجابت، رحیم (آیت الله): ۱۳۸۰، شرح دعای رجبیه، تهران.

نمازی شاهرودی علی: ۱۳۷۷، علم غیب، تهران: نشر نیک معارف.

یثربی، سید یحیی: ۱۳۸۳، فلسفه امامت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فخر رازی: ۱۴۱۵ ق، تفسیر کبیر، بیروت: دارالفکر.

فرغانی، سعید الدین سعید: ۱۳۷۹، مشارق الدرا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی

قدردان قراملکی: ۱۳۸۳، کلام فلسفی، قم: انتشارات وثوق

قدردان قراملکی، محمد حسن: ۱۳۸۶، آئین خاتم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قدردان قراملکی، محمد حسن: ۱۳۸۸، امامت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قریشی، سید علی اکبر: ۱۳۷۷، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.

قریشی، سید علی اکبر: ۱۳۸۲، قاموس القرآن، تهران: بنیاد بعثت.

قزوینی، سید علی: قدیم، شروح متقنه علی القوانين المحکمه، قم.

قمی، علی بن ابراهیم: ۱۳۶۷، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب.

کاردان غلامرضا و احمد مطهری: ۱۳۶۱ علم پیامبر و امام در قرآن، قم: در راه حق.

کدیور، محسن: ۱۳۸۴، روزنامه شرق، ۱۴ اسفند، تهران «بازخوانی امامت در پرتو نهضت حسینی»

کدیور، محسن: ۱۳۸۵، مجله مدرسه، شماره سوم اردیبهشت، تهران، مقاله قرائت فراموش شده

کراجکی، ابوالفتح، محمد بن علی: ۱۴۰۵ ق، کنزالفوائد، اعداد عبدالله نعمه، بیروت: دارالاصواء

الکسیس کارل: ۱۳۶۴، انسان موجودی ناشناخته، ترجمه پرویز دبیری، تهران: شرکت افست تهران.

کلینی، محمد بن یعقوب: ۱۳۶۵ الکافی، طهران: دارالکتب الاسلامیه.

لاری، سید عبدالحسین: ۱۳۸۳ معارف السلمانیه، تهران: انتشارات وزارت ارشاد.

لاهیجی، عبدالرزاق: ۱۳۸۳، گوهر مراد، تهران: نشر سایه.

مجلسی، محمد باقر: ۱۴۰۳ ق، بحارالانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجموعه مقالات: ۱۳۸۸ علم امام (مجموعه مقالات) گزینش محمد حسن نادم